

قواعد و ویژگی‌های معرفی شهرها در متون کهن مطالعه موردی: شهرهای سامانیان

حمیدرضا توسلی*

چکیده

این مقاله تلاش دارد تا با گذر از محتوا، نثر و معرفی آثار متون کهن، به قواعد و ویژگی‌های موجود در معرفی شهرها بپردازد. در این راستا ده شهر از عصر سامانی در تمدن اسلامی ایران انتخاب شده، آثار و منابع مورد بررسی با توجه به ساختار و طرح پژوهشی در پنج عنوان طبقه‌بندی شده است. معرفی شهرها، به ترتیب از «اقلیم و شهر» شروع شده و به «شهر و فرهنگ» خاتمه یافته است. موضوعات مقاله با توجه به بستر مطالعه‌ی موردی که عصر سامانی را شامل می‌شود به شناسایی «ماوراءالنهر» پرداخته و کلیاتی از شهرهای این دوره معرفی شده است. بدنه اصلی مقاله شامل برشمردن ویژگی‌های تفکیکی و موضوعی شهرها و تحلیل آنها است. در بین شهرهای مورد مطالعه این نوشته، سه ویژگی در معرفی شهرها مورد توجه بوده که بیشترین و کامل‌ترین معرفی مربوط به شهر «سمرقند و بخارا» است. آنچه که به عنوان پرسش اصلی مقاله و فرضیه «قاعده‌مندی در معرفی شهرهای متون کهن» مورد توجه بوده است در بدنه اصلی مقاله پاسخ داده شده و اطلاعات طبقه‌بندی‌شده مورد تحلیل قرار گرفته است. معرفی شهرهای بزرگ نیز دارای قاعده ویژه و کاملی بوده است به شیوه‌ای که نکته‌ای از جامعیت معرفی شهرها کاسته نشده است.

واژگان کلیدی

شهرهای سامانی، متون تاریخی، خراسان و ماوراءالنهر، مشاهیر اسلامی.

*. دکتری تاریخ هنر، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان ۰۹۱۲۱۴۸۶۷۵۶

hamidtavasoli_b@yahoo.com

مقدمه

در پژوهش‌های دانشگاهی و غیر دانشگاهی بهره‌گیری از منابع تاریخی و جغرافیایی قداماً به عنوان بخش پایه‌ای و یا انتقال مباحث کلی موضوعات مورد نظر جایگاه ویژه‌ای دارد. متون و منابعی که روزگاری به عنوان نسخ خطی در دسترس معدودی از علمای زمان قرار داشته در حال حاضر می‌تواند حاصل حرفی تازه و یا چراغ راهی برای پژوهش‌های حال و آینده باشد؛ با این دیدگاه، فرضیه این مقاله با طرح این پرسش‌ها شکل گرفته است:

آیا معرفی شهرها در این متون از متدولوژی خاصی در فهرست‌بندی محتوایی برخوردار بوده است؟ آیا بزرگی و کوچکی شهرها، تأثیری در شیوه معرفی این مناطق داشته؟ آیا مورّخین، الگویی در تدوین منابع داشته و با قواعدی به موضوعات شهری می‌پرداختند؟ در پاسخ آن به پرسش‌های فرضیه اقدامات زیر انجام گرفته است: دامنه تحقیق: انتخاب یک دوره خاص در تاریخ اسلامی ایران که با توجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی و زبانی و گسترش علوم و فنون عصر سامانی، مورد توجه قرار گرفته است. منابع تحقیق: انتخاب منابع مرجعی که حتی‌الامکان به این دوره در قرن چهارم هجری نزدیک باشد.

نمونه‌های تحقیق: انتخاب ده شهر از خراسان و ماوراءالنهر که در این منابع مورد معرفی قرار گرفته‌اند. دو شهر از شهرهای دهگانه مورد بررسی به عنوان شهرهای بزرگ و مهم عصر سامانی، مانند سمرقند و بخارا به عنوان شهرهای بزرگ، در-قیاس با دیگر شهرها- مورد مطالعه و طبقه‌بندی قرار گرفته است. مراحل تحقیق: با مطالعه و فیش‌برداری موضوعی در محتوای هر شهر، پنج ویژگی در معرفی شهرها استخراج شد: (اقلیم، تقسیمات شهر و نواحی، توصیف حاکمان، اقتصاد، سیاست و فرهنگ). محتوای مورد نظر در معرفی شهرها نیز در ذیل موضوعات فوق، طبقه‌بندی و معرفی و تحلیل شد.

ماوراءالنهر در متون کهن

از آنجایی که در این مقاله، موضوع "شهر و ویژگی‌های آن در عصر سامانی" در متون کهن مورد پژوهش قرار گرفته است، ضرورت دارد سرزمین خراسان و ماوراءالنهر نیز مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد.

سرزمین ماوراءالنهر را باید یکی از مراکز برجسته فرهنگ و تمدن در تاریخ ایران برشمرد که در تعریف آن آورده‌اند: "در سراسر دنیا به فراخی نعمت و صفا و خرمی و پربرکت بودن معروف است" (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۳).

«ابن خردادبه» سخنی پیرامون شگفتی‌های زمین در ناحیه ماوراءالنهر دارد و می‌گوید که می‌توان "در ماوراءالنهر خراسان، در شهری که به آن بیکند می‌گفتند دیگ‌های بزرگ را یافت که به وسیله ی نزدیکان بالا می‌برند" (اصطخری، ۱۳۸۱ ق. ۱: ۱۳۳). در سخن مورّخان، این ناحیه را بسیار آباد و خرم و در ارتباط فعال با

دیگر سرزمین‌های مجاور می‌بینیم. حافظ شیرین سخن نیز در بیت مشهور خویش (دیوان حافظ) پیرامون دو شعر معروف ماوراءالنهر، اوج آمال و آرزوهای خود را در بخشش به دلداه، نشان داده است: اگر آن ترک شیرازی، به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم، سمرقند و بخارا را

به همین روش می‌توانیم در کتب معتبر تاریخی نیز که از ماوراءالنهر یاد کردند چنین دیدگاه‌های دلنشینی را مشاهده کنیم... در کتب مورّخین به علت عدم تقارن زمانی با یکدیگر، سخنان غیر متشابهی نیز یاد شده است که گاه با دیگر منابع منطبق نیست و این به دلیل عدم هم‌زمانی بین جغرافیا نویسان است. هرچند کتاب‌های جغرافیایی معتبر نیز گاه چنان مطالبی شبیه به هم قید کرده‌اند که انسان می‌پندارد شاید اینان از روی یک کتاب، نسخه‌برداری کرده‌اند. از جمله می‌توان از کتب «مسالك و ممالک» «اصطخری» - «اشکال العالم» «جیهانی» - «احسن التقاسیم» «مقدّسی»، و «صورة الارض» «ابن حوقل» نام برد. اما با این وصف، شناسایی ویژگی معرفی شهرها در متون کهن که مسئله و پرسش اصلی این پژوهش است از موضوعات مشترک در بیان نویسندگان در این کتاب‌ها است.

ماوراءالنهر جزء ترکستان محسوب نمی‌شد و منطقه‌ای مسلمان نشین بوده است. از آنجایی که در پشت رود جیحون قرار گرفته بود، به آن ماوراءالنهر جیحون می‌گفتند. این دو رود که بعدها پس از حملات مغول به نام «آمو دریا» (رود جیحون) و سیر دریا (رود سیحون) نامیده شدند، داده شده است (لسترنج، ۱۳۶۷: ۴۶۱). موقعیت جغرافیایی ماوراءالنهر را مؤلف حدودالعالم چنین ذکر کرده است: "حدود مشرق وی حدود تبت است، و جنوب وی خراسان است و حدود خراسان و مغرب وی غوزست و حدود خلیج، و شمالش هم حدود خلیج است. و این ناحیتی است عظیم و آبادان و بسیار نعمت و ترکستان، و جای بازرگانان، و مردمانی اند جنگی و غازی پیشه و تیرانداز و پاک‌دین، و این ناحیتی با داد و عدل است و اندر کوه‌های وی معدن سیم است و زر سخت بسیار، با همه جواهرهای گدازنده که از کوه خیزد، با همه داروها که از کوه خیزد، چون زاگ و زرنیخ و گوگرد و نوشادر" (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۶-۱۰۵). لقب پادشاهان ماوراءالنهر را نیز (کوشان شاه) ذکر کرده‌اند (ابن خردادبه، ۱۳۸۸ ق: ۳۲). در زمینه منطقه ماوراءالنهر چنین آورده شده است که: "سرشار از نیکی‌ها، آبادانی، دانش‌پروری، نیرومندی، گردن‌ستبری، پی‌گیری، دلپاکی و هم‌زیستی است. مردم آن ثروتمند، پاکدامن، نیکخواه، مهمان‌نواز، دانشمندپرست هستند. خلاصه اسلام در آنجا شاداب، دولت‌نیرومند، دادگری استوار، فقیهان دانا، ثروتمندان سالم، پیشه‌وران ماهر، فقیران کارگر هستند. آنجا کمتر دچار قحطی می‌شوند. آن اکنون هم مرز جنگی و هم مرز علمی و جایگاه ارشاد است. بدعت و احکام ظالمانه در آنجا دیده نمی‌شود (مقدّسی، ۱۳۸۸ ق. ۲، ۳۸۲ - ۳۸۱). جیهانی نیز در کتاب خود در ذکر ماوراءالنهر ابتدا سخنی پیرامون وضعیت منطقه آورده و

فرهنگ تاریخ و تمدن و شرح احوال مردم و شهرها و شیوه زندگی و دیگر موضوعات زمان و عصر خویش به رشته تحریر درآوردند در پژوهش‌های امروزی و به ویژه در مطالعات بین رشته‌ای در علوم انسانی و هنر دارای ظرفیت‌های ارزشمند پژوهشی و علم‌افزایی است. در این راستا و در مجموع شهرهای مورد مطالعه در منطقه خراسان و ماوراءالنهر عبارتند از :

جوزجان، چغانیان، ختل یا ختلان، خوارزم، غرجستان، سیستان، بسط و غزنه، کرمان، سمرقند و بخارا.

اغلب شهرهایی که در متون کهن به آن اشاره شده، با ساختار ویژه و مشخص مورد معرفی قرار گرفته‌اند، در جهت آرایه مستند از این ویژگی‌ها، مطالب مربوط به هر شهری، به عناوین جزئی‌تر تقسیم شده است و در پایان نیز با توجه به ویژگی‌های تفکیکی در معرفی شهرها مطالب اسنادی آرایه شده است. ویژگی‌ها و موضوعات مورد توجه در معرفی شهرها به قرار زیر است :

۱. ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی شهرها : کوهستانی، کویری، دشت، مجاورت رود بودن یا مجاورت شهری مهم و مشهور و توصیف زیبایی‌های شهر.

۲. توصیف احوال امیران و شرح کوتاهی از ویژگی‌های رفتاری آنان مانند : دانش دوستی، سیاست‌مدار بودن و غیره.

۳. معرفی نواحی و قصبات شهر در تقسیمات کشوری ... فضاهای شهری (در مورد شهرهای بزرگ)

۴. ویژگی‌های اقتصادی شهر، نظیر شغل اصلی مردم، محصول عمده شهر، بازرگانی و تجارت، دارایی و اموال مردم شهر، اموال حاکم...

۵. ویژگی‌های فرهنگی : مذهب، زبان.

با توجه به این پنج ویژگی و یا محتوای آرایه‌شده در معرفی شهرهای مورد مطالعه که بیشترین نویسندگان بدان پرداخته‌اند بدین شرح است :

۱. معرفی ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی شهرها : جوزجان : اصطخری این ولایت را با توصیف جغرافیایی تاریخی و طبیعی آن آورده است (۱۳۸۱ق. : ۲۱۴)

چغانیان : این شهر با توصیف محل و مسیر آمو دریا و قرارگیری جهت آن در جوارشهر، آمده است.

(حدودالعالم، ۱۳۶۲ : ۱۰۹)؛ (مقدسی، ۱۳۸۸ق. : ۲۸۳).

ختلان : این ناحیه در بخش علیای مسیر رود جیحون و میان شاخه‌های آن (رود پنج و وخش) قرار داد (اصطخری، ۱۳۸۱ق. : ۲۱۷).

خوارزم : این سرزمین در دو سوی مسیر پایین رود جیحون قرار گرفته و چهار جهت جغرافیایی آن در جوار با دیگر مناطق توصیف شده است (ابن خردادبه، ۱۳۸۶ق. : ۳۲).

غرجستان : این شهر کوهستانی در مشرق هرات و در بالای رود مرغاب و شمال هریرود قرار داشته است (حدود العالم، ۱۳۶۲ : ۹۳).

سیستان : این شهر به بزرگی وسعت، یاد شده و در نوشته اصطخری چهار جهت جغرافیایی شهر قید شده و محدوده مناطق مجاور آن آمده است ... (اصطخری، ۱۳۸۱ق. : ۱۹۲)

سپس به خوشی آب و هوا و عدم قحط‌سالی در آنجا اشاره می‌کند. سپس به مرغزارها و آب‌های گوارا و کوه‌ها و صحراها و چهارپایان و معادن و میوه‌ها اشاره دارد. وی در قسمتی دیگر به سخاوت و جوانمردی اصحاب ماوراءالنهر می‌پردازد و چنین می‌آورد : "در بیشتر ولایت و شهرهای ایشان چنان است که گویی همه مردمان در یک سرای اند و خویش یکدیگرند و هیچ‌کس به خانه یکدیگر نرود که نه پندارد که خانه خویش است. عادت و سیرت ارباب ماوراءالنهر آن است که چون بیگانه رسد در مهمانی داشتن او با یکدیگر مسابقت کنند و مباحثات و مفاخرت کنند (جبهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۸-۱۷۷).

بنابراین طبق نظر مورخان و جغرافی نویسان معتبر می‌توان چنین ابراز کرد که سرزمین ماوراءالنهر، سابقه ای بس دیرینه در کشاکش‌های ایران و توران داشته است و پس از ظهور اسلام، به این مذهب حیاتبخش گرایش پیدا می‌کند. قبل از پذیرش اسلام، بر طبق آثار تاریخی به جای مانده، مذهب مردم این منطقه به سمت مذاهب شرقی گرایش داشته است که معابد موجود در این منطقه گواه بر این مطلب است.

تجارت و اقتصاد در این منطقه به دلیل مساعدبودن شرایط اقلیمی و قرارگرفتن بر سر راه، مسیرهای مهم تجارتهی مانند راه ابریشم، از رونق والایی برخوردار بوده است (نرشخی، ۱۳۵۱ : ۲۹).

رودهای جیحون و سیحون نیز از دیگر عوامل رشد و ترقی این منطقه در تاریخ بوده و شهرهای بسیاری در اطراف آنها به وجود آمده‌اند. رود دیگری که در این منطقه جریان داشته است، رود سغد بوده است که شهرهای بخارا و سمرقند نیز در کناره آن بنا شده و از وجود آن بهره‌ها برده‌اند و به اعتباری آبادانی و خرّمی خویش را مدیون همین رود هستند.

شهرها در قلمرو سامانیان

سامانیان در پهنه گسترده‌ای، از حدود غربی خراسان تا مرزهای ترکستان در آن سوی رود جیحون (آمو دریا) فرمان می‌راندند. بر سراسر این قلمرو (خراسان و ماوراءالنهر) که در گذشته‌ای دور تحت نظر دو نظام و سلسله اداره می‌شد، با ظهور سامانیان وحدت سیاسی حکم‌فرما شد. مقدسی (۱۳۸۸ ق.، ج ۲ : ۴۷۲-۴۶۹) به پیروی از پیشگامان دانش جغرافیا از این واحد سیاسی مستقل با نام «مشرق» یا خراسان یاد کرده و سامانیان را «شاهان خراسان» خوانده است (اصطخری، ۱۳۸۱ق. : ۲۴۵).

بخارا، پایتخت پرشکوه سامانیان و مهم‌ترین شهر ماوراءالنهر در مسیر سفلی رود سغد (زرافشان کنونی) امروزه در جنوب غربی جمهوری ازبکستان واقع است. این شهر از زمان حکومت امیر اسماعیل بن احمد تا انقراض سامانیان، بیش از یک سده، به مثابه مرکز سیاسی- فرهنگی شرق جهان اسلام، شهرهایی چون مرو و نیشابور و سمرقند را تحت الشعاع خود قرار داد و مهد خیزش و شکوفایی ادبیات فارسی دری شد (همان : ۲۲۱).

آنچه که مورّخین، جغرافی‌دانان و یا سفرنامه‌نویسان در تدوین

بزرگترین حکومت محلی خراسان به شمار می‌رفت، در سیاست و دانش دوستی به گونه‌ای بود که امرای غرجستان و غور (در مغرب و جنوب به فرمان آن بوده‌اند (اصطخری، ۱۳۸۱ق. : ۲۱۴). چغانیان: وصف خاندان محلی آل محتاج مانند: ابوبکر محتاج و پسرش ابوعلی محتاج و امیر ختل که در شهر هولیک فرمان روایی داشت در متون مختلف آمده است (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۹)، (مقدسی، ۱۳۸۸ق. : ۲۸۳)، (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۵۵)؛ (اصطخری، ۱۳۸۱ق.).

خوارزم: پرداختن به دو شهر عمده خوارزم به نام «کات» و «جرجانیه» که در ساحل راست و چپ رود جیحون، همراه با فرمانروایان شهر و لشکرکشی‌های مربوط به سال ۳۸۵ ه.ق. که منجر به وحدت خوارزم شده است، در کتاب ابن اثیر به خوبی روایت شده است (۱۴۰۲ق. : ۱۰۸-۱۰۷)

غرجستان: نویسنده کتاب حدودالعالم (۱۳۶۲: ۹۳) از فردی به نام «شار» به عنوان پادشاه نام می‌برد که در روستای کوهستانی به نام بلکیان می‌نشست.

سیستان: با توجه به این که عیاران و هواخواهان صفاریان در آن حضور داشتند بعد از فتح آن توسط احمد بن اسماعیل سامانی دستخوش شورش شده و در نهایت امیرانی چند از سال ۳۱۱ ه.ق. به حکومت سامانیان گردن نهاده و هدایایی به آن می‌پرداختند...

تمرّد امیر خلف از سامانیان منجر به محاصره سیستان شد و در واقع اقتدار سیاسی و توان نظامی و مالی این امیر را به تحلیل برد. این شهر در زمان امیر خلف، از نظر فرهنگی درخشید و دربار زرنج، محل آمد و شد علما و فقها و ادیبان شد. (ابن اثیر، ۱۴۰۲ق. : ۵۶۴-۵۶۳)؛ (تاریخ سیستان: ۳۱۰-۳۰۷). بُست و غزنه: در وصف حال امیران و حضورشان در تصرف این منطقه مانند عمّال خلیفه عباسی، آلپتکین (غلام ترک سامانیان)، سبکتکین حاجب کبیر و داماد آلپتکین که از سال ۲۹۸ قمری به بعد حاکم بست و غزنه بودند، در متون آمده است (عتبی، ۱۳۷۵: ۲۳) و (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۴).

کرمان: با توجه به ویژگی امیران و حاکمانی که بر این شهر تصرف داشتند، در دست حکومت سامانیان و آل بویه، متغیر بوده و علت آن نیز حضور «ابوعلی محمد بن الیاس سُغدی» از امرای بزرگ نصر بن احمد بود که به کرمان گریخت و بر آن استیلا یافت... (مقدسی، ۱۳۸۸ق. : ۴۷۲) و (ابن اثیر، ۱۴۰۲ق. : ۵۸۷-۵۸۵)

سمرقند: این شهر قبل از سال ۲۰۴ ق. که نوح بن اسد آن را به عنوان مرکز حکمرانی انتخاب کرده بود، همواره زمینه‌های مرکزیت حکومت را داشته است و تا سال ۲۷۹ ه. نیز تعدادی از امرای قبل از اسماعیل سامانی در این شهر حکمرانی داشته‌اند... (رنجبر، ۱۳۶۳: ۱۷۴)

بخارا: تاریخ کهن شهر و مرکزیت آن در خراسان و دیگر نواحی شرقی قلمرو اسلامی، سبب توجه عالمان و دانشمندان خراسان به آن شده است. (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۰ق. : ۱۹۸) معرفی امیران و شاهان بخارا و توصیف عدل و ظلم آنان (نظیر امیر ابروی، حاکم

بُست و غزنه: منطقه‌ای از مناطق شهر سیستان بوده که به دلیل مجاورت با سرزمین سند، هندوستان، از مردان جنگی ترکان خلیج که در آن می‌زیستند یاد شده است (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۳)؛ (عتبی، ۱۳۷۵: ۲۲) کرمان: معرفی جهات چهارگانه جغرافیایی این ناحیه و شهرهای بزرگ آن، طوایف کوه‌نشین بلوچ و قفص (کوچ این منطقه و سکونت بازرگانان در کرمان، نکاتی است که اصطخری (۱۳۸۱ق. : ۱۴۴-۱۳۹) و مقدسی (۱۳۸۸ق. : ۴۶۴-۴۶۰) بدان اشاره کردند.

سمرقند: قدامه بن جعفر (۱۴۰۱ق. : ۱۸۷) از سابقه تاریخی و کهن این شهر، زیبایی‌های شهر، سرسبزی و باغ‌های چشم‌نواز، پاکیزگی، رعایت زیبایی و اعتدال در منظر شهری، جذابیت آن در نزد امیران و بزرگان سخن گفته و در آثار جیهانی (۱۳۶۸: ۱۸۰) و ابن حوقل (۱۳۶۶: ۲۱۹) آمده است.

توصیف ابن خردادبه (۱۳۸۶ق. : ۱۴۸-۱۴۷) از شهر: "... گویا سمرقند همچون آسمان سبزی است که کاخ‌های آن، ستارگان درخشان آن است. و رودش، همانند کهکشانی است برای جلوه‌گری، بارویش همچون خورشیدی است با طبقات تو در تو".

بخارا: در کتاب حدودالعالم (۱۳۶۲: ۱۰۶) وصف بزرگی و آبادانی شهر و در کتاب نرشخی (۱۳۵۱: ۸-۷) شرح موقعیت خاک و آب شهر و انباشتگی رسوبات گل رودخانه ماصف که سبب حاصلخیزی و طراوت طبیعت بخارا آمده است.

بخارا با توجه به ویژگی‌های متنوع طبیعی و اقتصادی فرهنگی از جمله شهرهای ماوراءالنهر است که نرشخی به تفصیل در مورد جغرافیای انسانی آن نوشته: وصف بازار شهر، مسجد جامع ماخ (که قبل از پذیرش اسلام در منطقه آتشکده بوده است) و در سال ۹۴ هجری قتیبه بن مسلم این مسجد جامع را بنا کرد... (همان: ۳۰ و ۶۷).

بررسی داده‌های منابع در مورد شهرها

الف) ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی:

۱. شهرهایی که در حاشیه رودهای منطقه خراسان و ماوراءالنهر قرار داشتند: معرفی این شهرها با تعیین نام رود و جهت قرارگیری شهر در کنار رود مورد نظر انجام می‌گرفت.

۲. شهرهایی که در مجاورت شهرهای مهم قرار داشتند از جهات چهارگانه جغرافیایی شهر در ارتباط با شهرهای مجاور نام برده شده است.

۳. شهری که در منطقه کوهستانی قرار گرفته به عنوان یکی از ویژگی‌های توصیف اقلیم شهری مورد توجه بوده است.

۴. شهرهای بزرگ و ولایات مهم علاوه بر معرفی اقلیمی به جغرافیای انسانی آن اشاره شده که از شهرهای دهگانه مورد بررسی می‌توان از کرمان و سمرقند و بخارا نام برد.

ب) ویژگی احوال امیران و شرح کوتاهی از خصلت‌های فردی و حکومتی آنان

جوزجان: ویژگی حکومتی و شکوه پادشاهی این مرکز، که

بخارا: در مورد قدمت این شهر، فرای (۱۳۷۲: ۲۳) به نقل از قدامه بن جعفر آورده که بخارا توسط اسکندر (ذوالقرنین) بنا شده است. این شهر دو مرتبه به عنوان پایتخت در تاریخ معرفی شده است (در عصر سامانی و قرن نهم و دهم هجری در دوره ازبکان). سابقه طولانی این شهر براساس کاوش‌ها و تخمین‌های به عمل آمده، متعلق به مسلمانان و هفتالیان و کوشانیان به دست آمده است.

بررسی داده‌های معرفی شهر و نواحی

با توجه به گستردگی شهرهای خراسان و ماوراءالنهر، مورخین و جغرافی دانان به مرکز ولایت تأکید داشتند و آن را توصیف می‌کردند مانند: جوزجان، ختلان، خوارزم، کرمان، سمرقند و بخارا. در حقیقت این شهرها از مرکزیت برخوردار بوده و به عنوان شهرستان یا مشابه مرکز استان محسوب می‌شدند.

(د) ویژگی‌های وجه اقتصادی شهر:

شغل اصلی مردم، محصول عمده شهر، بازرگانی و سوداگری، دارایی اموال مردم، اموال حاکم ...

اقتصاد در شهرهای سامانی را می‌توان به چند گروه ویژه تقسیم کرد: گروه اول مربوط به شغل اصلی مردمان شهرهایی است که به دامداری اشتغال داشته‌اند، مانند جوزجان و چغانیان و غرجهستان. اصطخری از انواع پوست به عنوان محصول عمده جوزجان نام می‌برد (۱۳۸۱ق.: ۲۱۴) منطقه چغانیان نیز به دلیل دارا بودن چراگاه‌های خوب به تربیت اسب شهرت داشتند (مقدسی، ۱۳۸۸ق.: ۲۸۳) و (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۹) غرجهستان نیز به فراوانی غلات شهرت داشته و اهالی این ناحیه دامدار یا کشاورز بودند (همان: ۹۳) و (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۴۴).

گروه دوم از شهرهای عصر سامانی به عنوان مرکز تجاری و بازرگانی شهرت داشتند، در متون به توصیف اقلام تجاری و بازرگانی اهالی آن اشاره شده است، مانند مناطق خوارزم، بستان و غزنه، و سمرقند. مرکز تجارت بردگان ترک و خزر در خوارزم بود و علاوه بر آن در منسوجات نیز شهرت داشت و این کالا را با انواع پوست که از خزر می‌آوردند، مبادله می‌شد (ابن اثیر، ۱۴۰۲ق.: ۱۰۷).

بستان و غزنه نیز از مراکز مهم تجاری بود که با خراسان و هندوستان ارتباط اقتصادی داشت (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۳) و (عتبی، ۱۳۷۵: ۲۲).

شهر سمرقند نیز به دلیل مرکزیت سیاسی و قرار داشتن آن بر سر راه‌های مهم تجاری مرکز بردگان ماوراءالنهر بوده است. ابن حوقل، بهترین بردگان این منطقه را پرورش یافته سمرقند می‌داند. ضرب سکه‌های حکومت سامانیان و تولید و رواج کاغذ نیز بخشی از فعالیت اقتصادی سمرقند است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۲-۲۲۱ و ۲۲۷).

گروه سوم، در بین دو گروه از اقتصاد شهری مانند تجارت و کشاورزی قرار دارد مانند ناحیه سیستان. این منطقه از توانایی اقتصادی نسبتاً بالایی برخوردار بود که دلیل عمده آن را می‌توان در موقعیت ویژه تجاری و ارتباطی این منطقه دانست و از نظر

بخارا) و یا وصف امیر اسماعیل سامانی در شهر رودکی (بوی جوی مولیان ...) از نکاتی در معرفی امیران بخاراست که نویسندگان و شعرا بدان پرداخته‌اند. معرفی امیران این شهر همراه با شرح وقایع تاریخی و اقدامات به عمل آمده آنان در بخارا، به تفصیل در نوشته نرشخی آمده است: (۱۱۰۱-۱۱۰۱ و ۴۸-۴۷)

توصیف احوال امیران شهرها به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱. شهرهایی که دارای امیران و حاکمانی سیاست مدار و دانش دوست بودند شامل سمرقند و بخارا که علاوه بر توصیف حال امیران شهر، به دلیل وسعت شهر و سابقه کهن آنها گرایش دانشمندان به مراکز علمی و آموزشی این شهرها بیشتر بوده است.

۲. گاهی توجه به فرهنگ و علوم زمانه در منطقه‌ای مانند سیستان متأثر از آمد و شد علما و فقها و ادیبان به دربار «زنج» است و این در زمانی بود که امیر خلف، حاکم سیستان، هفت سال در محاصره قرار داشت و این موضوع نشانگر اقتدار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم منطقه است.

۳. معرفی شهر، همراه با امیران: از ویژگی‌های ثابت در معرفی مناطق مختلف شهری و منطقه‌ای، به گونه‌ای که شهر را با امیرش می‌شناختند و امیر را با شهرش. در نتیجه هر شهر که به آن اشاره می‌شد شاهان و حاکمان آن نیز معرفی می‌شد.

(ج) ویژگی معرفی نواحی و قصبات شهر، فضاهای شهر و تقسیمات کشوری:

جوزجان: اصطخری این ولایت را شامل بیست ناحیه می‌داند و از قصبه جوزجان به نام جهودان یا جهودستان نام می‌برد (۱۳۸۱ق.: ۲۱۴).

چغانیان: این ناحیه با توجه به چراگاه‌های خوش تربیت اسب شهرت داشته است (مقدسی، ۱۳۸۸ق.: ۲۸۳) و (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۹). ختلان: از این ناحیه به شکوه و گستردگی و فزونی شهرهایش نام برده‌اند (اصطخری، ۱۳۸۱ق.: ۲۳۴)؛ (مقدسی، ۱۳۸۸ق.: ۲۹۰).

خوارزم: با توجه به ویژگی جغرافیای سیاسی این منطقه به عنوان پایگاه مهم مسلمانان در مقابل ترکستان، محسوب می‌شد که تا اسپینچاپ و سرحد فرغانه امتداد داشت ... (ابن اثیر، ۱۴۰۲ق.: ۱۰۷) کرمان: گستردگی و تنوع اقلیمی این ناحیه و شهرهای مهم آن (سیرجان، جیرفت، بم و هرمز) به انضمام معرفی طوایف «بلوچ» و «قفص» که ساکن مناطق کوهستانی آن بودند در منابع آمده است (اصطخری، ۱۳۸۱ق.: ۱۳۴)؛ (مقدسی، ۱۳۸۸ق.: ۴۶۸).

سمرقند: اشاره به فاصله سغد سمرقند تا بخارا (۳۹ فرسخ)، وجود کهن دژ در این شهر و لقب «طرخان» که جهت پادشاهان سمرقند به کار می‌رفت در نوشته ابن خردادبه (۱۳۸۶ق.: ۲۳۱) آمده است. تفصیل فضاهای شهری نیز در کتاب حدودالعالم (۱۳۶۲: ۱۰۸) بدین شرح است: "سمرقند شهری بزرگ و آبادان است و از بالای بام بازارشان یکی جوی آب روانست ... و اندر وی خانگاه مانویان است و ایشان را «نغوشاک» خوانند و از وی کاغذ خیزدکی به همه جهان ببرند و رشته قنب خیزد، و رود بخارا بر در سمرقند بگذرد."

موقعیت فرهنگی شهر بخارا نیز در فراوانی علما و اندیشمندان، همانند سمرقند است. ثعالبی در جهت معرفی شاعران بخارا و توصیف احوال، اقدام به تألیف کتاب «یتیمه الدهر» کرده است (جدول ۱).

جدول ۱. معرفی ویژگی‌های معرفی شهرها و میزان معرفی پنج ویژگی در شهرهای مورد مطالعه. مأخذ: نگارنده.

Table 1. The introduction to characteristics of presenting cities and towns and the rate of presenting five characteristics in studied cities.

Source: author.

ردیف	شهر	تاریخی	اقتصادی	شهرها	ویرانه‌ها	آثار	ویژگی‌های معرفی شهرها	
							شهرهای مورد مطالعه	شهرها
				*	*	*	*	جوزجان
			*	*	*	*	*	چغانیان
				*	*	*	*	ختلان
			*	*	*	*	*	خوارزم
			*	*	*	*	*	غرجستان
			*	*	*	*	*	سیستان
			*	*	*	*	*	بست و غزنه
			*	*	*	*	*	کرمان
			*	*	*	*	*	سمرقند
			*	*	*	*	*	بخارا
			۳	۸	۷	۱۰	۱۰	جمع معرفی شهرها
			٪۳۰	٪۸۰	٪۷۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	درصد معرفی شهرها

کشاورزی نیز می‌توان از وسعت مناطق و تنوع انواع اقلام کشاورزی آن نام برد (اصطخری، ۱۳۸۱ق: ۱۹۲ و ۱۹۶) و (یعقوبی، ۱۳۴۷: ۲۸۶). در جمع‌بندی اقتصاد شهر و نواحی این دوره می‌توان اقتصاد شهری را به سه گروه تجاری، کشاورزی و دامداری و اقتصاد ترکیبی تقسیم کرد، که شامل تجارت و تولید کشاورزی است.

ه) پنج‌مین ویژگی در موضوعات معرفی شهر در متون، مربوط به توصیفات فرهنگی و شامل مواردی چون مذهب و اعتقادات، زبان، علم و علما، فرهنگ و هنر و ادب ... است.

بررسی داده‌ها نشانگر این است که در عصر سامانی برخی از شهرها مانند سمرقند و بخارا به عنوان مراکز علمی و فرهنگی اشتهار داشته و منطقه کرمان نیز با تنوع مذاهب اسلامی و انواع زبان معرفی شده است (اصطخری، ۱۳۸۱ق: ۱۴۴) و (مقدسی، ۱۳۸۸ق: ۴۶۹).

قرار گرفتن این شهرها به عنوان قطب فرهنگی این عصر، می‌تواند معلول سه عامل باشد:

۱. سابقه تاریخی و کهن در زمینه علوم و مدارس علمی.
۲. سابقه فرهنگی و تمدنی شهر به دلیل وسعت و مرکزیت منطقه در مسیر راه‌های اقتصادی.

۳. امنیت نسبی شهر به ویژه در پایتخت حکومت مانند سمرقند و بخارا از دیگر عوامل تأثیرگذار در پایداری فرهنگی شهر است.

سرزمین سمرقند و بخارا با توجه به منابعی از جایگاه علم و علما و هنرمندان و شاعران و فقها و تربیت اساتید بزرگ در رشته‌های مختلف منابعی از معرفی چهره‌های فرهنگی دارد مانند نسخه دستنویس کتاب «فندیه و سمریه» که مؤلف آن، محمدبن عبدالجلیل سمرقندی و ابوطاهر خواجه سمرقندی، به موضوع فرهنگ و ادب و علم و علمای مشهور شهر پرداخته است. این کتاب ارزشمند به کوشش ایرج افشار منتشر شده است (۱۳۶۷)

نتیجه‌گیری

مطالعه متون در آثار تاریخی و جغرافیایی نویسندگان قرون گذشته به ویژه با تمرکز این نوشته در آثار مکتوب مرتبط با عصر سامانیان نشانگر آن است که مورخین عصر اسلامی، از الگوی ویژه‌ای در جهت معرفی شهرها و اماکن شهری و موضوعات مرتبط با آن پیروی می‌کردند. نتایج حاصله از بررسی شهرهای دهگانه‌ای که مورد پژوهش قرار گرفته‌اند عبارت است از:

الف) حداقل سه ویژگی در معرفی این شهرها از اشتراک موضوعی برخوردار بودند: شهر و اقلیم، شهر و تقسیمات منطقه‌ای، شهر و اقتصاد شهری و بازرگانی.

ب) در معرفی شهرهای بزرگ مانند سمرقند و بخارا علاوه بر پنج ویژگی عمده و کلی که در متن مقاله به آن پرداخته شد موارد جزئی‌تری نیز از مباحث شهری مورد توجه قرار گرفته است مانند: توصیف فضاهای شهری، آثار تاریخی، زیبایی‌های شهری و محیطی جغرافیای فرهنگی و جغرافیای سیاسی.

ج) محتوای متون تاریخی و جغرافیایی عصر کلاسیک ایران شامل ظرفیت‌های بالای تنوع توصیفی است که این موضوع زمینه گسترش علوم پایه انسانی مانند (تاریخ و جغرافیا) و گرایش‌های تخصصی آن در عصر جدید شده است که امروزه با عنوان و صفات زیر از آن نام می‌بریم:

تاریخ و جغرافیای طبیعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، هنری ...

متون کهن فاقد تیتراهای متنوع است، اما با تجزیه متن می‌توان تیترا پنهان یا خاموش را مورد شناسایی قرار داد.

د) طبقه‌بندی علوم و دانش‌های ثبت شده در متون کهن، به پژوهشگران گرایش‌های مختلف این ساحت این مکان را می‌دهد تا بتوانند، با استخراج قواعد و ویژگی‌های توصیفی و تحقیقی مندرج در کتاب‌ها مبانی دانش‌های بومی مرتبط با "مباحث بین رشته‌ای" را بنیان نهند ... ه) دقت در محتوای این منابع و استخراج قواعد کلی و جزئی در آن، رساننده این حقیقت است که آثار گذشتگان را صرفاً توصیف و نقل

روایت و مستندنگاری ندانیم و با تعمق بیشتر در این متون بتوانیم عناصر و قواعد پژوهش‌های تاریخی را تحلیل کنیم. (در پایان اشاره می‌شود آنچه که در پرسش تحقیق و فرضیه قاعده‌مند بودن (در ویژگی معرفتی شهرهای عصر سامانی در متون کهن) آمده در بدنه اصلی مقاله پاسخ داده شده و به اثبات رسیده است.

فهرست منابع

- ابن اثیر. ۱۳۶۱. علی بن محمد. *الکامل فی التاریخ*. ت: محمدحسین روحانی. تهران: اساطیر.
- ابن حوقل، محمد. ۱۳۶۶. *سفرنامه ابن حوقل* (ایران در صوره الارض). ت: جعفر شعار. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ابن خرداد به، عبید... بن عبید... ۱۳۸۶. *المسالک والممالک*. تهران: میموگراف.
- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد. ۱۳۸۱. *المسالک و الممالک*، به کوشش محمد بن جابرالعال الحینی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- تاریخ سیستان. ۱۳۸۹. به کوشش ملک‌الشعراى بهار. تهران: اساطیر.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. ۱۳۶۸. *اشکال العالم*. ت: علی بن عبدالسلام کاتب. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حدود العالم. ۱۳۶۲. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: طهوری.
- حمزه بن حسن اصفهانی. ۱۳۴۶. *سنی الملوک الارض والانبیاء*. ت: جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- رنجبر، احمد. ۱۳۶۳. *خراسان بزرگ* (بحثی پیرامون چند شهر از خراسان بزرگ)، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عنبی، محمد بن عبدالجبار. ۱۳۷۵. *التاریخ الیمینی*. ت: ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی. به کوشش جعفر شعار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فرای، ریچارد نلسون. ۱۳۷۲. *سامانیان، تاریخ ایران کمبریج*. ت: حسن انوشه. ج ۴، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فرخی سیستانی، علی بن جولوغ. ۱۳۶۳. *دیوان*. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: روز.
- کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر. ۱۳۶۰. *الخراج و صناعه الکتابه*، به کوشش محمد حسین زبندی. بغداد: دار الرشید للنشر.
- سمرقندی، محمد بن عبدالجلیل و خواجه سمرقندی، ابوطاهر. ۱۳۶۷. *قندیه و سمریه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی جهانگیری.
- لسترنج. ۱۳۶۷. *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ت: محمود عرفان. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نرشی، جعفر. ۱۳۵۱. *تاریخ بخارا*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. ۱۳۴۷. *البلدان*. ت: محمد ابراهیم آیتی. ج ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Reference list

- Ebn-e-Asir. (1982). *Tarik-e-Kamel* [The Complete History. Translated into Persian by Rohani, M. H. Tehran: Asatir.
- Ebn-e-Hauqal Nasibi, A. (1987). *Saurat al-Arz* [Configuration of the Earth]. Translated into Persian by Sho'ar, J. Tehran: Entesharat Bonyad Farhang Iran.
- Ebn-e-Khordadbeh, A. *Al-Masalek val-Mamalek* [The Roads and the Countries]. Tehran: Mimeograph.
- Estakhri, A. (1961). *Masalek va Mamlek* [The Roads and the Countries]. Ed. Afshar, I. Tehran: Bongah Tarjomeh va Nashr Ketab.
- Farrokhi sistani, A. (1984). *Divan* [Poetry]. Ed. Dabirsiaghi, M. Tehran: Ruz.
- Frye, R. N. (1994). *The cambridge history of Iran*. Translated by Anoshe, H. Tehran: Amirkabir.
- *Hodud al-'Alam men al-Mashreq el al-Maghreb* [Regions of the world from the east to the west]. (1984). Ed. Sotudeh, M. Tehran: Tahuri
- Isfahani, H. (1967). *Seni al moluk al arz va anbia* [The history of kings and prophets]. Translated by Shoar, J. Tehran: Bonyad farhang Iran.
- Jeyhani, A. (1989). *Ashkal- ol alam* [pictures of Wolrld]. Translated by Kateb. A. Mashhad: Astan ghods.
- Kateb Baghdadi, Gh. *Alkharaj va sanaatt ol ketab* [book Making]. (1981). Ed. Zibandi, M. H. Baghdad: Dar ol Rashid lenashr.
- Lu Strange, G. (1988). *The lands of the eastern caliphate*. Tehran: Elmi va farhangi.
- Muqaddasi, A. (1967). *Ahsan al -Taqaqim fi Ma'rifat al-Aqalim* [The Best divisions for knowledge of the regions]. Translated by Collins, B.A. Garnet: The centre for Muslim Contribution to Civilization.
- Narshakhi, J. (1972). *Tarikh- e Bokhara* [history of Bokhara]. Tehran: Bonyad- e Farhang.
- Otbi, M. (1996). *Tarikh yamini*. Translated by Jorfadeghani, A. Ed. Shoar, J. Tehran: Bongah- e tarjome va nashr- e ketab.
- Ranjbar, A. (1984). *Khorasan- e bozorg* [Great Khorasan]. Tehran: Amirkabir.
- Samarghandi, A. & Khaje samarghandi, A. (1988). *Ghandie va samarie*. Ed. Afshar, I. Tehran: Jahangiri.
- *Tarikh- e Sistan*. (2010). Ed. Bahar. M. Tehran: Asatir.
- Yaghoobi, A. *Alboldan* [Geography]. Translated by Ayati, M. I. Tehran: Bongah- e Tajome va nashr- e ketab.

Recognition of principles and characteristics of presenting cities in ancient texts (Case study: the Samanid city)

Hamidreza Tavassoli*

Abstract

This paper attempts to introduce the principles and characteristics of existing cities with studying the content, style and presentation of the historic periods of ancient texts from Islamic period historians – specially the authors of the fourth century to the seventh century AH. In this regard, ten cities have been selected as a sample from Samanid era of Islamic civilization (Jowzjan, Chouchanian, Katl or Katlan, Karazm, Gorjestan, Sistan, Bast and Gazneh, Kerman, Samarkand and Bukhara). Due to the structure of the project, reviewed works and sources are classified in five titles: Introducing cities, respectively, started from “Climate and City” and terminated to “City and Culture”. Due to the case study that includes Samanid era, the paper’s subjects are trying to identify Transoxania and introducing cities’ characteristics in this period. The main body of the paper includes identifying and examining five topics from introducing and analyzing cities. These features are as follows:

1. Geographical and climate features of cities
2. Kings’ qualification and a brief description of their behavioral characteristics
3. Introducing counties and townships of cities
4. Economic characteristics of cities
5. Cultural features

Among the cities which studied in this paper, the first three features are used for presenting considered cities which authors choose that these cities have the largest and most complete introduction to cities as “Samarkand and Bukhara” and have discussed economic and cultural characteristics of these cities. The paper’s question and the assumption of “regularity introduced in the cities of ancient texts” were answered in the main body of the article and classified information has been analyzed. Also, the introduction of large cities has special and complete rule in away that the point of introducing the integrity of cities has not diminished.

Study’s achievements demonstrated the following findings:

- a. In all of the cases presented by historians; Issues such as climate and city, regional divisions, and describing princess’ circumstances has been discussed.
- b. The content of historical and geographical contexts in Iran’s classical era has high-capacity for variety of description.
- c. Review and classification of knowledge recorded in ancient texts is underlying principles of indigenous science in order that the scholars can be able to link these texts to “interdisciplinary topics”.
- d. With paying attention to the content of the resource, we can extract general rules and its details and organize elements and rules of historical research.

Keywords

Samanid cities, Historical texts, Khurasan and Transoxiana, Islamic notables.

.....
* Ph. D. in History of Art. Faculty member of Art University of Isfahan. hamidtavasoli_b@yahoo.com